

تأمین امنیت، جبران خسارت و بازگشت به وطن بزه‌دیدگان قاچاق انسان در اسناد فراملی*

□ دکتر محسن عینی^۱

□ استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی علیه السلام

چکیده

از راهبردهای مبارزه مؤثر با قاچاق انسان به عنوان جرمی علیه کرامت انسانی - حمایت از بزه‌دیده است. حمایت از بزه‌دیده جرم قاچاق انسان مبتنی بر ارزشهای حقوق بشری است زیرا بزه‌دیده جرم مرتکب آن نیست و حمایت از او به همکاری بزه‌دیده با مقامات صلاحیتدار اداری و قضایی و به اجرای عدالت مدد می‌رساند. به علاوه از بزه‌دیدگی دوباره او پیشگیری می‌کند. بر این اساس، اسناد فراملی مانند پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان سازمان ملل متحد و در موضع برتر کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا، تدابیر حمایتی مختلفی را مقرر کرده‌اند که به بهبودی جسمی، روانی و اجتماعی بزه‌دیده کمک می‌کند و او را برای بازگشت موفق به خانواده و اجتماعش یاری می‌کند. سه

مورد از این تدابیر عبارتند از: تأمین امنیت و سلامت بزهدیده؛ جبران خسارات قربانی و در نهایت کمک به بازگشت ترجیحاً اختیاری بزهدیده به جامعه مبدأ.

سیاست جنایی ایران باید از راهبرد حمایت از بزهدیدگان جرم قاچاق انسان استقبال کند و قوه قانون‌گذاری ایران تدابیر حمایتی مناسب و از جمله تدابیر سه‌گانه مزبور را، پیش‌بینی کند.

واژگان کلیدی: قاچاق انسان، حمایت از بزهدیده، جبران خسارات، حقوق بشر، بازگشت قربانی، تأمین امنیت و سلامت.

مقدمه

قاچاق انسان^۱ برای بهره‌کشی، رفتاری مغایر کرامت انسانی و ارتکاب آن نقض حقوق بشر توصیف شده است (Follmar-Otto-Rabe, 2009: 14/29; Gallagher, 2006: 186)؛ زیرا در فرایند ارتکاب آن مهمترین حقوق اساسی بزهدیده مانند حق انتخاب و سلامت وی پایمال می‌شود (Piotrowicz, 2009: 185).

پدیده جنایی مزبور تحت تأثیر عوامل کششی و رانشی زیادی است، از جمله فقر و نابسامانی اقتصادی، ساختارهای نامناسب اجتماعی و سیاسی، جهانی شدن و جهانی‌سازی اقتصاد، سیاستهای تعدیل اقتصادی در برخی کشورها، حاکمیت فرهنگ خشونت و تبعیض ناروا نسبت به شهروندان در کشورهای مبدأ، تقاضا برای خدمات جنسی و کار ارزان در کشورهای مقصد، تسهیل رفت‌وآمد میان برخی کشورها به ویژه در اروپا، سود سرشار قاچاق انسان و خطر اندک (تعقیب کیفری مرتکبان) در برخی کشورها را می‌توان برشمرد (کولایی، ۱۳۸۶: ۱۵۷، ۱۵۸؛ Leidhold, 2006: 95, 96; Hodge, 2008: 144).

۱. بند ۱ ماده ۳ پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان در تعریف قاچاق انسان مقرر می‌دارد: «قاچاق انسان به معنای استخدام (به کارگیری)، حمل و نقل، انتقال، پناه دادن یا دریافت اشخاص به وسیله تهدید یا اعمال زور یا سایر اشکال تحمیل، آدم‌ربایی، تقلب، فریب، سوء استفاده از قدرت یا موقعیت آسیب‌پذیری یا از طریق دادوستد یا منافع برای تحصیل رضایت شخصی که بر دیگری کنترل دارد، به منظور بهره‌کشی. بهره‌کشی حداقل شامل بهره‌کشی از روسپی‌گری دیگران یا سایر اشکال بهره‌کشی جنسی، کار یا خدمات اجباری، بردگی یا اعمال مشابه بردگی، بندگی (بیگاری) یا برداشتن اندامهاست».

آمارها و تخمینهای متفاوتی از میزان قاچاق انسان در جهان ارائه می‌شود. بر مبنای برخی تخمینها، سالیانه حدود ۲/۵ میلیون نفر در سرتاسر دنیا قاچاق می‌شوند (Skrivankova, 2006: 229). برخی آن را حداقل ۶۰۰/۰۰۰ نفر در سال برآورد می‌کنند (Ryken Volder, 2009: 49). یوروپل گزارش کرده است که هر سال صدها هزار قربانی به کشورهای عضو اتحادیه اروپا و به منظور بهره‌کشی جنسی و کار، قاچاق می‌شوند (Europol, 2008: 10). محققان بسیاری به رشد فزاینده قاچاق انسان به ویژه در میان زنان و کودکان اذعان کرده‌اند (Follmar-Otto-Rabe, 2009: 14; Troshynski, 2008: 31).

ماهیت غیر انسانی و پیامدهای زیانبار قاچاق انسان، به عنوان جرم فراملی یا جهانی شده (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۹: ۱۵) جامعه جهانی را مصمم کرد تا به مبارزه مؤثر با این پدیده و حمایت از بزهدیدگان آن و همکاری دولتها در این مورد اقدام کنند و از این روی پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان موسوم به پروتکل پالمو و تکمیل‌کننده کنوانسیون ملل متحد علیه جرم سازمان‌یافته فراملی در سال ۲۰۰۰ میلادی (پروتکل پالمو) تصویب شد. در سطح منطقه‌ای (اروپا) نیز علاوه بر تصمیم راهبردی مبارزه با قاچاق انسان مصوب سال ۲۰۰۲ میلادی، باید از تصویب کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا مصوب سال ۲۰۰۵ میلادی (کنوانسیون ورشو) یاد کرد که از ۱ فوریه ۲۰۰۸ میلادی لازم الاجرا شده است (Drew, 2009: 50). طرح دستورالعمل مورخ آوریل ۲۰۱۰ میلادی در مورد پیشگیری و مبارزه با قاچاق انسان و حمایت از بزهدیدگان، آخرین سندی است که تصویب آن، تصمیم راهبردی سال ۲۰۰۲ را نسخ می‌کند و جایگزین آن می‌شود (Council of the European Union, 2010: 2). به اسناد مزبور باید تصمیمات و طرحهای اقدام دیگری را نیز اضافه کرد که مخصوصاً در سطح اروپا تصویب و اجرا شده است. اسناد مزبور وظایف و در عین حال محدودیتهایی را در مبارزه با قاچاق انسان بر دولتها تحمیل می‌کند.

اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای یادشده، برای مبارزه مؤثر با پدیده قاچاق انسان و در پرتو همکاری بین‌المللی دولتها سه راهبرد اصلی را مورد توجه قرار داد که عبارتند از: پیشگیری از وقوع؛ جرم‌انگاری و مجازات مرتکب آن و حمایت از قربانیان جرم. برخی

از محققان، راهبردهای سه‌گانه مبارزه با قاچاق انسان را در سه P خلاصه کرده‌اند: پیشگیری^۱، تعقیب^۲ و حمایت^۳ (Follmar-Otto-Rabe, 2009: 5; Raffaelli, 2009: 206). نماینده عالی رتبه حقوق بشر سازمان ملل متحد در تعبیری دیگر به موارد مزبور، جبران خسارت قربانیان را نیز اضافه می‌کند (UN-Economic and Social Council, 2002: 4). بسیاری از کشورها تحت تأثیر مبارزه جهانی علیه قاچاق انسان و در پرتو اسناد فراملی با تصویب قانون داخلی، قاچاق انسان را جرم‌انگاری کرده‌اند (UNODC-Trafficking, 2009: 22) و در صورت مواجهه با این رفتار ناقض حقوق بشر به وظیفه خود در تعقیب مرتکبان جرم قاچاق انسان اقدام می‌کنند. در ایران نیز در سال ۱۳۸۳ هماهنگ با راهبرد جرم‌انگاری و در اقدامی قابل تقدیر ولی ناکافی جرم قاچاق انسان پیش‌بینی و مشمول واکنشهای سرکوبگرانه شد.

اما قاچاق انسان از موضوعات چندوجهی و محل تلاقی حقوق بشر، حقوق کیفری، حقوق مهاجرت و حقوق کار است (Raffaelli, 2009: 221; Piotrowicz, 2009: 176). ابعاد حقوق بشری قاچاق انسان تکالیف و الزامات دیگری را نیز در راستای مبارزه مؤثر با این جرم بر دولتها تحمیل می‌کند که یکی از مهمترین آنها حمایت حقوق بشرمدارانه از قربانیان جرمی است که برخی از حقوق انسانی آنها پایمال شده است. اسناد فراملی مانند پروتکل پالرمو و به ویژه کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا، تدابیر حمایتی مختلفی را برای بزهدیدگان جرم قاچاق انسان پیش‌بینی و دولتها را به پاره‌ای از حمایت‌های ضروری از بزهدیدگان قاچاق انسان تشویق یا متعهد کرده‌اند. مبنای این حمایت را باید در ارزشهای حقوق بشری و انسانی و الزامات آن جستجو کرد. این حمایت با ارزشهای اسلامی مبنی بر حمایت و دستگیری از اشخاص آسیب‌پذیر نیز منطبق است (Mattar, 2010: 33).

حمایت از بزهدیدگان جرم قاچاق انسان نقشی بسزا در پیشگیری از قاچاق مجدد قربانیان دارد و واجد نقش پیشگیرانه است و برعکس آن رها کردن قربانیان موجبات

1. Prevention.
2. Prosecution.
3. Protection.

بزهدیدگی مجدد آنها را فراهم می‌کند (Hodge, 2008: 151)، همچنان که حمایت از قربانی، تشویق او جهت همکاری با پلیس و سایر مقامات صلاحیت‌دار و کمک به او جهت بازگشت به جامعه است؛ به علاوه این حمایت احترام به آموزه‌های حقوق بشر و به دلیل آن است که آنها نه مجرم بلکه قربانی جرمی هستند که شایسته مساعدت و حمایتند تا با کمک دولتها پاره‌ای از حقوق تضییع شده خود را بازیابند. به همین جهت برخی از کشورها مثل آمریکا (Yacoubian-Clawson-Dutch, 2008: 157, 169) و ایتالیا (Ventrella, 2007: 41, 56) علاوه بر جرم‌انگاری قاچاق انسان، به وضع قانون ویژه حمایت از بزهدیدگان قاچاق انسان اقدام کرده‌اند.

در میان اسناد فراملی، سندی که موقعیت مناسب‌تری در راستای پیش‌بینی تدابیر حمایتی حقوق بشرمدارانه از قربانیان جرم قاچاق انسان دارد، کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپاست که در مقایسه با پروتکل قاچاق انسان پالرمو از جایگاه شایسته‌تری برخوردار است و اقدامات حمایتی خاصی را برای قربانیان پیش‌بینی کرده است که قبل از این در اسناد بین‌المللی مربوط مورد تصریح قرار نگرفته بود؛ اگرچه کنوانسیون یادشده نیز با سطح عالی از انتظارات فاصله دارد و تمام آنچه که مطلوب می‌نماید در کنوانسیون مزبور، ذکر نشده است (Gallagher, 2006: 188)، اما هر یک از دولتهای عضو کنوانسیون می‌توانند در حقوق ملی خود قواعد حمایتی بیشتری را برای قربانیان جرم قاچاق انسان پیش‌بینی کنند. همچنین در سطح اروپا، برخی از الزامات حمایتی حقوق بشرمدارانه را باید در معاهدات حقوق بشری مثل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادیهای اساسی مصوب ۱۹۵۰ میلادی جستجو کرد (Follmar-Otto-Rabe, 2009: 38).

اگرچه گونه‌های متفاوتی از تدابیر و اقدامات حمایتی برای بزهدیدگان بزرگسال و کودک و همچنین شهود جرم قاچاق انسان قابل ذکر است اما به لحاظ گستردگی موضوع حمایت از بزهدیدگان، در این مقاله به تحلیل جداگانه سه مورد از آنها در ارتباط با تأمین امنیت، جبران خسارت و بازگشت بزهدیدگان (بزرگسال) به وطن با توجه به اسناد فراملی و با نگرش ویژه به کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا می‌پردازیم؛ تدابیری که اجرای آنها راهبرد حمایت از

بزه‌دیدگان جرم قاچاق انسان را انعکاس می‌دهد.

در ایران، قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ از میان راهبردهای سه‌گانه مبارزه مؤثر با قاچاق انسان (پیشگیری؛ جرم‌انگاری و حمایت از بزه‌دیده)، فقط به راهبرد جرم‌انگاری و تعقیب جرم قاچاق انسان توجه کرده و به ویژه از راهبرد حمایت از بزه‌دیدگان غفلت کرده است. ترسیم راهبرد حمایت از بزه‌دیدگان مورد توجه بیشتر مسئولان سیاست جنایی ایران که هدف اصلی این مقاله است به پیش‌بینی و اجرای تدابیر حمایتی مناسب برای بزه‌دیدگان قاچاق انسان کمک نموده، راه مبارزه مؤثرتر و پیشگیری از این جرم را نیز هموارتر می‌سازد. بدیهی است توفیق در این راه در پرتو اتخاذ یک سیاست جنایی مشارکتی و با دخالت گروه‌های مردم‌نهاد تسهیل می‌شود.

تدابیر امنیت مدار

۱- حمایت از هویت و زندگی خصوصی قربانیان

بسیاری از قربانیان جرم قاچاق انسان، از آن رو که از امنیت خویش بیمناکند، یا از رسوایی و بدنامی خود یا خانواده هراسناکند یا از اقدامات قضایی علیه خود می‌ترسند؛ از روبرو شدن با مقامات صلاحیتدار و اعلام جرم یا طرح شکایت علیه قاچاقچیان که معمولاً با افشای هویت آنها همراه است، پرهیز می‌کنند (Braspenning, 2006: 346; Council of Europe-Explanatory, 2005: 46; UNODC-Toolkit, 2008: 224) بنابراین، تأمین امنیت قربانیانی که در فرایند شناسایی و همکاری با مقامات صلاحیتدار (اعم از پلیس یا دادرسان) قرار می‌گیرند از مهمترین وظایف دولتهاست و از مناسبترین تدابیر حمایتی که امنیت قربانیان را تأمین می‌کند، محرمانگی هویت و زندگی خصوصی آنهاست (Lenzerini, 2009: 223)؛ زیرا افشای هویت، آدرس و جزئیات زندگی خصوصی بزه‌دیدگان و آدرس آنها، خطر انتقام از آنها و خانواده آنها را افزایش می‌دهد (HR Law Group-Annotated Guide, 2002: 20) یا خطر بدنامی و رسوایی را برای آنها چه در جامعه مبدأ و چه در جامعه مقصد به همراه دارد.

بدین جهت علاوه بر برخی اسناد فراملی مانند اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ (بند D از پاراگراف ۶)، پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان پیوست کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد مبارزه با جرم سازمان یافته فراملی مصوب سال ۲۰۰۰ موسوم به پروتکل قاچاق انسان پالمو، در بند ۱ از ماده ۶، با تعابیری غیر الزامی از دولتها می خواهد در موارد مقتضی و تا حد امکان و بر اساس حقوق ملی، از افشای هویت و زندگی خصوصی قربانیان اجتناب کنند^۱ (Fredette, 2009: 130). همچنین ماده ۸ پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک راجع به فروش کودکان، روسپی گری و پورنوگرافی (هرزه نگاری) کودک مصوب سال ۲۰۰۰ میلادی، دولتها را به اتخاذ اقدامات مناسب برای حمایت از هویت و زندگی خصوصی بزه دیدگان کودک ملزم می کند (Yacoubian, Clawson and Dutch, 2009: 165; Cooney, 2009: 528). مشابه الزام مزبور را بند ۳۱/۵ کنوانسیون راجع به حمایت از کودکان علیه بهره کشی و سوء استفاده جنسی مصوب سال ۲۰۰۷ شورای اروپا به جهت حمایت از حقوق و منافع کودکان بزه دیده پیش بینی کرده است.

از جمله اقداماتی که می تواند مانع از افشای هویت بزه دیدگان شود و به تأمین امنیت آنها کمک کند تدابیر مناسب دادرسی کیفری است (Braspenning, 2006: 352) مانند: محرمانه و غیر علنی بودن دادرسیها و ممانعت از حضور افراد در جلسات دادرسی (بند ۱ ماده ۶ پروتکل مزبور)؛ تحمیل قانونی برخی ممنوعیتها بر رسانهها مثل محدودیت نمایندگان رسانهها از حضور در دادرسی یا محدودیت انتشار اطلاعات و جزئیاتی است که هویت قربانیان جرم را افشا می کند، همچنین دادگاهها باید از این حق برخوردار شوند که در موارد مقتضی هویت قربانیان جرم را محرمانه اعلام کنند (UNODC-Toolkit, 2008: 224) یا از مواجهه متهم و شهود اجتناب کنند. بدیهی است اجرای برخی از این تدابیر نیازمند اصلاح قوانین آیین دادرسی کیفری

۱. بند ۲/a از ماده ۲۴ کنوانسیون جرایم سازمان یافته فراملی با لحنی آمرانه تر از دولتها می خواهد هویت و محل زندگی شهود را افشا نکند.

کشورهاست که به ویژه با فشار گروههای مردم‌نهاد بر دولتها محقق می‌شود. اگر دولتها بر اعلام نام قربانیان جرم و به ویژه کسانی که علیه قاچاقچیان شهادت می‌دهند، پافشاری کنند، باید گروههای مردم‌نهاد دولتها را موظف کنند تا برای قربانیان محل اقامت مناسب و جدید و حتی هویت جدید (برای قربانیان و در برخی موارد خانواده آنها) و تا زمانی که خطر باقی است فراهم کنند؛ به گونه‌ای که اگر دولتها از انجام این تکلیف سر باز زنند، قربانیان نیز با مقامات صلاحیتدار همکاری نکنند (HR Law Group-Annotated Guide, 2002: 20) اقدامات اشاره‌شده باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که سایر حقوق و اصول شناخته‌شده مثل حق دفاع متهم و یا حق آزادی بیان، حق دسترسی به اطلاعات یا اصل تناسب را نقض نکنند. همچنین در این موارد با حفظ برتری اصل علنی بودن دادرسی باید ترتیبی اتخاذ شود که دادگاهها امکان محروم کردن دیگران را از حضور در جلسات دادرسی داشته باشند ولی قبلاً این موضوع را توجیه و اعلام کنند.

تحت تأثیر نگرشهای اشاره‌شده و با توجه به آزادیهای اساسی پذیرفته‌شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا در ماده ۱۱، نه تنها از هویت و زندگی خصوصی بزه‌دیدگان بلکه از داده‌های شخصی^۱ افراد (مانند محل سکونت، تلفن و...) بر اساس کنوانسیون حمایت از افراد در ارتباط با فرایند پردازش خودکار داده‌های شخصی، حمایت کرده است. بر اساس بند ۱ ماده ۱۱ کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان، دولتها باید موافقت کنند بر احترام به داده‌های شخصی قربانیان قاچاق بر اساس مقررات وضع‌شده در کنوانسیون مزبور، بدون توجه به اینکه کنوانسیون حمایت از افراد در ارتباط با فرایند پردازش خودکار داده‌های شخصی را تصویب کرده‌اند یا خیر (Council of Europe-Explanatory, 2005: 47). کنوانسیون اروپایی اقدام علیه قاچاق انسان، در ماده ۳۰، حمایت از هویت و زندگی خصوصی اشخاص را در دوره دادرسی کیفری نیز مورد تأکید قرار داده است؛ بنابراین حمایت از هویت و زندگی خصوصی و داده‌های شخصی افراد از آغازین

1. Personal Data.

مراحل شناسایی بزه‌دیدگان شروع می‌شود و تنها به مرحله دادرسی کیفری اختصاص ندارد. سرانجام بند ۲ ماده ۱۱ کنوانسیون از دولتها می‌خواهد که اقداماتی را اتخاذ کنند که رسانه‌ها را به حمایت از زندگی خصوصی و هویت قربانیان تشویق می‌کند ولی برای آنکه از مزاحمت نامشروع و نامناسب برای اصل آزادی بیان اجتناب شود، مقرر کرده است که این اقدامات باید موافق با ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (اصل آزادی بیان) باشد و حمایت از زندگی خصوصی و هویت قربانیان را از طریق اقدامات زیر مورد توجه قرار دهد:

Self-Regulation: این اقدامات به وسیله بخش خصوصی تنظیم می‌شود.

Co-Regulation: با مشارکت بخش خصوصی و مقامات عمومی انجام می‌گیرد.

Regulation: با استانداردهای وضع شده توسط مقامات عمومی انجام می‌گیرد

(Council of Europe-Explanatory, 2005: 47).

در حقوق ایران، قانون مبارزه با قاچاق انسان حکم خاصی در مورد حمایت از هویت، زندگی خصوصی و داده‌های شخصی بزه‌دیدگان قاچاق انسان پیش‌بینی نکرده است ولی با توجه به اینکه قانون یادشده، برخی بزه‌دیدگان قاچاق انسان را مجرم محسوب کرده است، این دسته همانند سایر محکومان و متهمان از تضمینات حقوقی مربوط مثل منع هتک حرمت و حیثیت از آنان از طریق افشای هویت، برخوردارند (اصل ۳۹ قانون اساسی)؛ تدبیر مزبور حتی اگر افشای هویت قربانیان برخی مصادیق قاچاق انسان را جرم و شیوع فحشا قلمداد کنیم (تبصره ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی) تأمین‌کننده اهداف حمایت از هویت و زندگی خصوصی بزه‌دیده قاچاق انسان نیست.

با آنکه قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، آیین صحیح دسترسی به اطلاعات را تنظیم و معرفی می‌کند و در ماده ۱۶ آن یکی از مهمترین استثنائات دسترسی به اطلاعات را به خطر افتادن جان یا سلامت افراد مقرر می‌کند اما قانون مزبور اصولاً مانع برخی اقدامات قضایی دادرسان کیفری به هنگام رسیدگی به جرایم که به افشای هویت قربانیان می‌انجامد و مستند به اصول و قواعد سنتی آیین دادرسی انجام می‌گیرد، نیست چنان که برخی الزامات قانونی مقرر در قانون آیین

دادرسی کیفری در مورد ذکر نام و سایر مشخصات در شکواییه، احضاریه و حتی کیفرخواست یا برگزاری علنی محاکمات و دادرسیها (اصل ۱۶۵ قانون اساسی و ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری) از قوانینی است که اجرای آنها می‌تواند ضمن افشای هویت قربانیان، امنیت و موقعیت اجتماعی آنها را در وطن خود و ایران با خطر و مشکل مواجه کند. توصیف کردن برخی از مصادیق قاچاق انسان به عنوان جرایم محل امنیت و برگزاری محاکمه غیر علنی با نظر دادرس (تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری)، نمی‌تواند از افشای هویت و زندگی خصوصی قربانی، حمایت کافی را به عمل آورد. بنابراین به نظر می‌رسد الحاق به برخی از اسناد بین‌المللی مثل کنوانسیون جرایم سازمان یافته فراملی و پروتکل الحاقی آن موسوم به پروتکل پالمو می‌تواند زمینه‌های لازم را برای قانون‌گذار در اصلاح برخی از مقررات جزایی به گونه‌ای فراهم کند که با حمایت از هویت و زندگی خصوصی بزه‌دیدگان قاچاق انسان به تأمین امنیت آنها مدد رساند.

۲- تأمین سلامت جسمانی بزه‌دیدگان

تمامیت و سلامت جسمانی بزه‌دیدگان قاچاق انسان با انواع تهدیدات، خشونت‌ها و بیماریها مواجه است (Jones, 2009: 327; Wang, 2010: 315) اما به ویژه بزه‌دیدگانی که با مقامات صلاحیتدار همکاری می‌کنند و اطلاعاتی را در اختیار مأموران مربوط قرار می‌دهند که در تعقیب گروههای جنایتکار و قاچاقچیان مؤثر است، همواره در معرض تهدید و ارباب یا خطر انتقام قرار می‌گیرند تا آنان را وادار به سکوت و عدم همکاری کنند، بنابراین یکی از وظایف و مسئولیتهای دولتها تأمین امنیت و حمایت جسمانی از قربانیان از جمله در مقابل هرگونه تهدید یا انتقام‌گیری گروههای جنایتکار است (Braspenning, 2006: 352)؛ زیرا تهدید یا ایجاد مخاطره برای سلامتی بزه‌دیدگان گذشته از آنکه بزه‌دیدگی جدید است، در برخی موارد به فرصت و سرعت اجرای عدالت زیان می‌رساند یا سایر قربانیان را از کمک به اجرای عدالت دلسرد می‌کند و مانع از ایفای نقش مناسب قربانی می‌شود، از این رو در پاره‌ای از کشورها مثل

فرانسه تهدید شاکی برای استرداد شکایت از زمره جرایم (علیه عدالت قضایی) قلمداد می‌شود (کوشا، ۱۳۸۹: ۳۹). کنوانسیون جرایم سازمان یافته پالمو نیز با درک این واقعیت در مواد ۲۴ و ۲۵، تأمین سلامت جسمانی بزه‌دیدگان و شهود را مورد تصریح قرار داده است. (UNODC-Legislative Guide, 2004: 43) به دنبال آن پروتکل پالمو با زبانی ضعیف و غیر الزامی (Yacoubian, Clawson and Dutch, 2009: 167) در بند ۵ ماده ۶ فقط به تلاش دولتها برای تأمین امنیت قربانیان و مادامی که در قلمرو آنها هستند - نه الزاماً تا قبل از رسیدن به وطنشان - اشاره کرد (Lenzerini, 2009: 216; HR Law Group-Annotated Guide, 2002: 22)

ماده ۲۴ کنوانسیون پالمو نیز به دو مورد از حمایت‌هایی که می‌تواند به تأمین سلامت همه شهود و نه فقط شاهد قربانی کمک کند تصریح کرده است: جابجایی و محدودیت در افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت آنها؛ همچنین مقرر کردن قواعد جدید مربوط به اثبات جرم که سلامت شهود را تضمین کند (HR Law Group-Annotated Guide, 2002: 23). کنوانسیون اروپایی اقدام علیه قاچاق انسان نیز به سان پروتکل قاچاق انسان پالمو اما با زبانی قاطع‌تر، در مواد ۱۲/۲، ۲۸ و ۳۰ یکی از وظایف مهم دولتهای عضو را تأمین سلامت قربانیان معرفی کرده است (Raffaelli, 2009: 212) و این حمایت را در همه مراحل یعنی از آغاز مرحله شناسایی قربانیان و دوره بهبودی و پس از آن و در صورتی که قربانی اجازه اقامت تحصیل کند، در دوره انجام تحقیقات و دادرسی و حتی پس از آن تا زمانی که تهدید و انتقام علیه قربانی باقی است، توسعه داده است. این حمایت اگرچه معمولاً با رضایت قربانی انجام می‌گیرد ولی منوط به رضایت او نیست همچنین به قلمرو خاصی تعلق ندارد و با همکاری دولتهای مبدأ و مقصد تا برگشت ایمن قربانی به وطنش گسترش می‌یابد. با نظر به اسناد فراملی و اروپایی مربوط به حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق انسان، برای تأمین سلامت قربانیان شاهد در مقابل تهدید و اقدامات تلافی‌جویانه، تدابیر متنوعی پیشنهاد شده است. برخی از این تدابیر که می‌تواند از ماهیتی فراقضایی^۱

1. Extra judicial.

برخوردار باشد، عبارتند از:

- نصب تجهیزات فنی بازدارنده
 - اجرای سیستم اعلام خطر و هشدار
 - ضبط ورودی و خروجی تلفنهای قربانیان
 - اتومیل ثبت شده حمایتی
 - تلفن همراه برای موارد ضروری
 - استفاده از محافظ (در موارد نیاز)
 - در موارد ضروری، تغییر هویت قربانی؛ محل استخدام و محل اقامت آنها
- (Council of Europe-Explanatory, 2005: 55, 65).
- این اقدامات متفاوت باید به گونه‌ای انجام گیرد که قاچاقچیان بی اطلاع از آنها باشند (Ibid.: 65).
- فدراسیون روسیه در قانونی بدیع موسوم به قانون مربوط به حمایت دولتی از قربانیان، شهود و سایر مداخله کنندگان در دادرسیهای کیفری، برخی از اقدامات امنیتی برای تأمین سلامت افراد را به شرح زیر احصا کرده است:
- حمایت از خانه و اموال شخص
 - استفاده از دستگاههای هشدار امنیتی
 - جابجایی شخص
 - صدور مدارک جدید هویتی
 - تغییر ظاهر شخص
 - انتقال به شغل یا مؤسسه آموزشی جدید
 - انتقال موقتی به پناهگاههای امنیتی (ر.ک: <http://no2slavery.ru/files/witseclaw.doc>)
- نظر به اینکه در اجرای برخی اقدامات حمایتی نقش دادستانها در حراست از سلامت جسمانی قربانیان مهم است؛ پاره‌ای از اقدامات مناسب که می‌تواند توسط آنها مورد توجه قرار گیرد، عبارتند از:
- گمنامی کامل یا جزئی برای برخی از بزه‌دیدگان و سامان دادن اقدامات به گونه‌ای که این گمنامی را محقق کند.

- اگر نشانه‌های خطر علیه بزهدیده وجود دارد، مظنون یا مظنونان در مدت زمان استماع اظهارات آنها، در توقیف نگهداری شوند.
- حتی المقدور از ملاقات با بزهدیدگان در پناهگاههای آنها پرهیز شود.
- در صورت امکان ارتباط رادیویی یا ویدیویی از اتاقهای داخل یک دادگستری یا از ساختمانهای دیگر با بزهدیده برقرار شود؛ در برخی موارد این ارتباط می‌تواند حتی خارج از منطقه یا قلمرو دولت به عمل آید.
- پرده و حفاظ مناسب که بزهدیدگان (شهود) را از دید مظنونان و اشخاص دیگر در دادگاه حفظ کند.
- اتاقهای جداگانه برای قربانیان (شهود) و شهود متهم تدارک شود.
- کنترل لازم در مورد کارمندان به عمل آید و از آنچه که باید برای تأمین سلامت قربانیان انجام دهند، مطلع شوند.
- مسیر ورود و خروج از دادگاه را ایمن کنند (UNODC-Toolkit, 2008: 225, 236).
- برخی از اقدامات که سلامت قربانیان را تأمین می‌کند، دارای ماهیت قضایی است و اجرای آنها معمولاً با اصلاح مقررات آیین دادرسی کیفری و دلایل اثباتی امکان‌پذیر است؛ این موارد عبارتند از:
 - غیر علنی بودن دادرسی و عدم استماع جریان دادرسی از جانب عموم؛ زیرا علنی بودن قاعدهٔ مطلقی نیست و در برخی موارد به ملاحظهٔ منافع عمومی و مصالح اخلاقی، همه یا بخشی از دادرسی غیر علنی می‌شود.
 - ثبت و ضبط کردن (مثل نوشتن یا ضبط کردن) اظهارات.
 - شهادت دادن بی‌نام یا با نام مستعار.
 - استفاده از تکنولوژی دیداری - شنیداری: به جای مواجههٔ رودررو^۱.
- در سالهای اخیر برخی کشورها به خصوص در ارتباط با جرایم و حملات جنسی از این روش استفاده می‌کنند، ولی این شیوه هنوز در همهٔ اروپا گسترده نشده است (Council of Europe-Explanatory, 2005: 69)؛ اگرچه در برخی کشورها کودکان

1. Face-to-Face.

به وسیله ویدئو کنفرانس در مقابل دادگاه ظاهر می‌شوند (Ibid.: 67).

تدابیر مزبور باید به گونه‌ای اجرا شود که توازنی منطقی بین حق دفاع متهم و حقوق و منافع بزه‌دیدگان (شهود) ایجاد شود؛ به همین دلیل ماده ۳۰ کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا با نگرشی بشردوستانه، تصریح کرده است که این اقدامات حمایتی باید با توجه به ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر یعنی حق دادرسی عادلانه انجام گیرد.

در حقوق ایران، برخلاف برخی کشورها چون ایتالیا که تدابیر حمایت از قربانیان را قانوناً مورد حکم قرار داده‌اند (Ventrella, 2007: 57) در قانون مبارزه با قاچاق انسان یا مقررات دیگر قواعد خاصی در حمایت از سلامت جسمانی بزه‌دیدگان قاچاق انسان پیش‌بینی نشده است. از نظر قانون مبارزه با قاچاق انسان، بزه‌دیدگان جرم قاچاق انسان در پاره‌ای موارد به عنوان مرتکب جرم قابل تعقیبند و ظاهراً شهادت آنها علیه قاچاقچیان به استناد مقررات فصل پنجم قانون آیین دادرسی کیفری (ماده ۱۵۵ و تبصره ۳ ق.آ.د.ک.) قابل قبول نیست و تنها ممکن است به استناد ماده ۱۵۶ ق.آ.د.ک. از اطلاعات آنها بدون اتیان سوگند استفاده کرد. از سوی دیگر تدابیر خاصی مثل تحقیق از شهود و مطلعان به طور جداگانه و بدون حضور متهم (ماده ۱۵۱ ق.آ.د.ک.) تأمین‌کننده اهداف اسناد فراملی برای تأمین سلامت قربانیان نیست و برخی از تدابیر سنتی قانون آ.د.ک. می‌تواند موجبات تهدید یا اجرای اقدامات تلافی‌جویانه را علیه قربانیانی که با پلیس یا مقامات قضایی ایران همکاری می‌کنند فراهم کند، از این رو به نظر می‌رسد الحاق به کنوانسیون جرایم سازمان‌یافته و پروتکل‌های مربوط و اصلاح برخی از مقررات می‌تواند تحقق سلامت بزه‌دیدگان (شهود) را بهتر تأمین کند.

حمایت برای جبران خسارت

در فرایند انجام جرم خشن و غیر انسانی قاچاق انسان، معمولاً قربانیان متحمل صدمات و خسارات مادی و روانی زیادی می‌شوند و بهره‌کشی اقتصادی و تجاری از آنها منافع نامشروع زیادی را نصیب قاچاقچیان می‌کند از این رو دریافت غرامت

و جبران خسارات وارده بر بزه‌دیدگان، گامی ضروری برای غلبه بر آسیب‌های تحمیلی است و به قربانی کمک می‌کند که در پرتو اجرای عدالت، زندگی خویش را سامان دهد (Follmar-Otto-Rabe, 2009: 56). جبران خسارات قربانی تأیید رنج‌ها و صدمات او و نامشروع و جرم بودن قاچاق انسان است که می‌تواند تدبیری سزادهنده و در عین حال بازدارنده قلمداد شود که هم به مسئولیت‌پذیری و بازپروری مجرم مدد می‌رساند و هم از قربانی شدن مجدد بزه‌دیدگان قاچاق انسان پیشگیری می‌کند (Olujuwon, 2009: 26)؛ بنابراین دولتها نه تنها متعهد به مجازات مرتکبان جرم قاچاق انسان هستند بلکه باید با اتخاذ تدابیر مناسب از جبران خسارت بزه‌دیدگان نیز اطمینان یابند (Waisman, 2010: 410; UNODC-Toolkit, 2008: 404)، بدین جهت برخی بر این باورند که از میان پنج مورد از حمایت‌هایی که باید برای بزه‌دیدگان جرم قاچاق انسان مقرر شود حق جبران خسارت و دریافت غرامت یکی از آنهاست (Gekht, 2009: 43).

تلاش برای جبران خسارات وارده به قربانی، با موضوعات بسیاری چون عدم آگاهی‌های لازم در قربانیان و عدم شناسایی و دستیابی به مرتکبان جرم و اموال آنها یا فرار قاچاقچیان، محل اقامت بزه‌دیده و... مرتبط است که حل برخی از این موضوعات گذشته از همکاری دولتها با یکدیگر، مستلزم پیش‌بینی تدابیر حمایتی مناسب از جمله سازوکار قانونی برای دریافت خسارات و غرامت است. به طور کلی دسترسی قربانی به جبران خسارت در اشکال زیر قابل تحقق است:

- ۱- فرایند دادرسی مدنی (Follmar-Otto-Rabe, 2009: 66; Chuang, 2010: 1641, 1648):
بر مبنای شبه جرم، قربانی حق دارد بر اساس ملاکهای مقرر در حقوق داخلی هر کشور از جمله حقوق مدنی یا حقوق کار خسارات مادی و معنوی خود را مطالبه کند. از محدودیتهای این شیوه گذشته از موضوع محل اقامت مرتکب، لزوم شناسایی مرتکب و قدرت و توانایی او برای جبران خسارات است.
- ۲- فرایند دادرسی کیفری (UNODC-Legislative Guide, 2004: 286): در این شیوه معمولاً دعوای مدنی با فرایند دادرسی جنایی در یک دادگاه کیفری جریان می‌یابد و آن دادگاه در مورد جبران خسارات مدعی تصمیم می‌گیرد. این شیوه، همچنین

در برخی کشورها که جبران خسارات قربانی بخشی از رأی محکومیت تحمیلی علیه مرتکب است، اجرا می‌شود. در این روش علاوه بر لزوم شناسایی قربانی، تعقیب و مقصر قلمداد شدن مرتکب در فرایند دادرسی جنایی ضروری است. از محدودیتهای این روش عدم شناسایی مرتکب یا فرار او از حوزه قضایی یا عدم وجود دلایل کافی بر اینکه ماهیت کار اجرا شده توسط بزه‌دیده غیر اختیاری بوده است یا عدم تمایل یا توانایی بزه‌دیده برای همکاری با مقامات صلاحیتدار - اجرایی و قضایی - است که فرجام نویدبخشی برای خواسته مدعی فراهم نمی‌کند.

۳- فرایند اداری و پیش‌بینی صندوق خاص (UNODC-Toolkit, 2008: 406): در برخی کشورها ترتیبات اداری ویژه‌ای برای پرداخت غرامت به قربانیان جرایم خشن پیش‌بینی شده است که بر اساس آن نیازی به شناسایی مرتکب خاص نیست و پرداخت خسارت قطعی و تضمینی است و معمولاً فقط نیازمند گزارش پلیس و خواست بزه‌دیده به همکاری با پلیس برای تحقیقات است. در این روش جبران خسارت از منابع گوناگونی چون جزای نقدی، اموال مصادره‌شده از مرتکبان، مالیات بر درآمد یا سایر امکانات و بودجه‌های دولتی، بخشهای افراد خصوصی و مؤسسات است. از محدودیتهای این شیوه، پرداختهای معین و در عین حال محدود است ولی از محاسن آن پرداخت فوری و تضمینی است. این شیوه باید ساده و کارآمد تنظیم شود و در عین حال مانع توسل قربانی به فرایند قضایی نشود تا از بزه‌دیدی مجدد او پیشگیری شود.

در کشور نیجریه به موجب قانون صندوقی ایجاد شده است که از آن علاوه بر تأمین نیازهای بزه‌دیدگان در زمانی که تحت مراقبت قرار می‌گیرند، برای جبران خسارات آنها نیز استفاده می‌شود (Ibid.: 412).

۴- مذاکره و توافق بین بزه‌دیده و مرتکب (Follmar-Otto-Rabe, 2009: 68): در بسیاری از موارد برای پرهیز از مشکلاتی که به ویژه در پرتو فرایند دادرسیهای قضایی برای بزه‌دیدگان قاچاق انسان واقع می‌شود؛ همچنین ایجاد وضعیتی که تخفیف یا حتی تعلیق مجازات مرتکب را فراهم می‌کند، مرتکب ضمن توافق با بزه‌دیده و پذیرش کامل تقصیر خویش به جبران خسارت بزه‌دیده اقدام می‌کند.

در کشور آلمان حق جبران خسارت از بزه‌دیدگان قاچاق انسان از زمره حقوق بشر قربانی قلمداد می‌شود که می‌تواند علیه مرتکب جبران یابد. بزه‌دیدگان قاچاق انسان (در بهره‌کشی جنسی و کار) حق دارند جبران خسارات مادی و غیر مادی وارده همچنین دستمزدها را وفق بخش ۸۲۳ قانون مدنی با طرح ادعای مدنی حسب مورد از طریق دادرسی مدنی^۱ یا کار^۲ در دادگاه صالح (دادگاه محلی،^۳ دادگاه منطقه‌ای^۴ یا دادگاه کار^۵) یا از طریق فرایند دادرسی کیفری^۶ موسوم به شیوه رسیدگی الحاقی^۷ در دادگاه کیفری و در زمان انجام اقدامات جنایی مطالبه کنند. همچنین از آن رو که مشروعیت اعمال زور در اختیار دولت است و دولت موظف به حمایت از افراد در مقابل خشونت و خسارات ناشی از اعمال جنایی است، مطابق مقررات در شرایط خاصی ممکن است بزه‌دیده از جرم برای جبران خسارات خود علیه دولت اقامه دعوی کند. با توجه به فقدان اطلاعات و مشکلات مربوط به زبان و... در حدود پنجاه مرکز مشورتی و گروه مردم‌نهاد به بزه‌دیدگان قاچاق انسان (به‌ویژه زنان) خدمات مشورتی ارائه کرده و آنها را برای پیگیری حقوق خود یاری می‌کنند. در موارد زیادی نیز دریافت جبران خسارت از طریق مذاکره و توافق بین بزه‌دیده و مرتکب جرم به ویژه با دخالت مشاوران حقوقی گزارش شده است (Follmar-Otto-Rabe, 2009: 65-77).

ادعای جبران خسارت می‌تواند شامل مواردی چون: صدمات ناشی از خشونت جسمانی و روانی، مخارج پزشکی، دستمزدهای پرداخت‌نشده یا بسیار کم، بازپرداخت مخارج غیر قانونی پرداختی - از جانب قربانی - برای آژانسهای کار و استخدام یا به خاطر حمل و نقل، جریمه‌های تحمیلی به بزه‌دیدگان که توسط

-
1. Civil Proceeding.
 2. Labour Court Proceeding.
 3. Local Court.
 4. Regional Court.
 5. Labour Court.
 6. Criminal Proceeding.
 7. Adhesion Procedure.

قاچاقچیان بخاطر اصطلاحاً رفتارهای بد بزه‌دیدگان وصول شده است، کسورات نامشروع مفرط و فریبکارانه از دستمزدها به خاطر اجاره، امرار معاش، مالیات و... باشد (UNODC-Toolkit, 2008: 406). با استناد به اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت، ادعای خسارت به موارد مزبور محدود نمی‌شود و می‌تواند شامل خسارات مهم وارده به محیط زیست نیز باشد. همچنین مطابق بند A/۱۱ اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت در مواردی که مقامات رسمی با نقض مقررات ملی به وقوع جرم قاچاق انسان کمک کرده باشند، قربانی می‌تواند از دولت به خاطر صدمات وارده مطالبه خسارت کند. جبران خسارت فقط به قربانی جرم محدود نیست و شامل خانواده و وابستگان قربانی متوفی یا محجور و ناتوان به لحاظ جسمانی و روانی نیز می‌شود. (بند B/۱۲ اعلامیه مزبور).

پروتکل پالمو در بند ۶ ماده ۶ بدون اشاره صریح به حق بزه‌دیده برای مطالبه خسارات از مرتکبان بزه قاچاق انسان با زبانی ضعیف به امکان دریافت جبران خسارت اشاره و مقرر می‌کند: «هر دولت متعهد تضمین خواهد کرد که حقوق ملی اش اقداماتی را اتخاذ می‌کند که بزه‌دیدگان قاچاق اشخاص، امکان تحصیل جبران خسارت به خاطر خسارات متحمل شده را داشته باشد». برخی بر این باورند که ماده مزبور می‌تواند به محدود کردن قربانی به دریافت خسارت از صندوقی که دولتها برای جبران خسارت قربانیان ایجاد می‌کنند، تفسیر شود ((HR Law Group-Annotated Guide, 2002: 23)). اما کنوانسیون جرم سازمان یافته فراملی با زبانی قویتر در بند ۲ ماده ۲۵ به حق اشخاص برای جبران خسارت^۱ و غرامت^۲ تصریح کرده است که می‌تواند با اقامه دعوی در دادگاه و علیه اموال قاچاقچیان انجام شود (Ibid.: 25).

در سطح اروپا ماده ۹ تصمیم راهبردی مورخ ۱۵ مارس ۲۰۰۱ در مورد موقعیت قربانیان در فرایند دادرسی جنایی از حق قربانیان برای جبران خسارت حمایت کرده است اما در میان اسناد منطقه‌ای، کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا از

1. Compensation.
2. Restitution.

موقعیت بهتری برخوردار است؛ زیرا در بند ۳ ماده ۱۵ آن، برقراری حق جبران خسارت از مرتکبان جرم را پذیرفته است (Lenzerini, 2009: 228) و در بند ۴ ماده مزبور به اقدامات دولتها برای تضمین جبران خسارت قربانیان وفق حقوق ملی هر کشور- و مثلاً از طریق برقراری یک صندوق جبران خسارت، اشاره کرده است. کنوانسیون اروپایی جبران خسارت قربانیان جرایم خشن مصوب سال ۱۹۸۳ نیز در ماده ۲، بر مشارکت دولت برای جبران خسارت بزه‌دیدگان در فرضی که جبران خسارت قربانی به طور کامل ممکن نیست، تصریح و بر جبران خسارت بزه‌دیده حتی در فرض عدم تعقیب یا مجازات مرتکب اشاره می‌کند.

از سوی دیگر نظر به اینکه مطالبه خسارت چه از طریق اداری و چه از طریق فرایند قضایی نیازمند دانش و تجربه خاص و امری پیچیده است، لذا ضرورت ارائه کمک و مساعدت حقوقی رایگان در بند ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا و بر اساس شرایط حقوق ملی هر کشور پیش‌بینی شده است. بر این اساس دولتهای متعاقد نه تنها بر وفق ماده مزبور بلکه به موجب بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کمک حقوقی رایگان و از طریق وکیل را در دادرسیهای جنایی مورد توجه قرار می‌دهند. اما وفق رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد دعاوی مدنی خاص که قربانی توان مالی لازم برای گرفتن وکیل را ندارد و ماهیت دعوی به گونه‌ای است که دخالت حقوقدان و وکیل لازم است، دیوان اروپایی حقوق بشر با این استدلال که دسترسی مؤثر به یک دادگاه در مواردی نیازمند حضور وکیل و حقوقدان است، مقرر کرده است در مواردی که قربانی توان مالی ندارد، عدالت ایجاد می‌کند که برای دسترسی مؤثر شخص به دادگاه، برای او وکیل انتصابی و کمک حقوقی رایگان فراهم شود (Council of Europe-Explanatory, 2005: 53).

کنوانسیون مزبور از بیان جزئیات بیشتر در موارد جبران خسارت پرهیز کرده است اما ماده ۸ کنوانسیون اروپایی جبران خسارت قربانیان جرایم خشن مقرر می‌دارد که جبران خسارت ممکن است به دلیل دخالت متقاضی در جرم سازمان‌یافته یا عضویت او در سازمانی که به جرایم خشن می‌پردازد و همچنین در مواردی که پرداخت خسارت مخالف احساس عدالت یا نظم عمومی است، کاهش یافته یا رد شود.

در ایران، قانون مبارزه با قاچاق انسان یا سایر مقررات فاقد حکمی خاص در مورد جبران خسارات قربانیان بزه قاچاق انسان است و وفق قانون مزبور، پاره‌ای از بزهدیدگان قاچاق انسان به عنوان مجرم قابل تعقیبند اما به نظر می‌رسد قربانی قاچاق انسان می‌تواند بر اساس مقررات عمومی از جمله قانون مدنی یا قانون مجازات اسلامی، پاره‌ای از خسارات مادی و دستمزد خود را یا در مواردی دیه یا ارزش البکاره را از طریق فرایند دادرسی مدنی یا کیفری در دادگاههای عمومی و به طرفیت مرتکب مطالبه کند. همچنین با آنکه برخی تلاشها به منظور ایجاد صندوق حمایت از بزهدیدگان انجام شده است (ذاقلی، ۱۳۸۹: ۲۱۴)؛ اما حمایت از بزهدیدگان جرم مزبور در پرتو تدابیر حمایتی افتراقی و اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی ثمربخش‌تر است؛ بنابراین وضع مقررات مناسب و ایجاد صندوق اختصاصی برای تضمین جبران خسارات بزهدیدگان جرم قاچاق انسان یا ارائه کمکهای فوری به آنها با دخالت گروههای مردم‌نهاد و خیریه و با کمک گرفتن از اموال مصادره‌شده قاچاقچیان، ضروری است.

حمایت برای بازگشت بزهدیده

بازگشت بزهدیده خارجی از کشور مقصد به کشور مبدأ، اغلب با مشکلات و چالشهای زیادی مواجه است: فقدان مدارک هویتی و مسافرت، شرمندگی قربانی از فعالیت در زمینه‌هایی که با ارزشهای فرهنگی جامعه مبدأ سازگاری ندارد، فقدان کار و شغل مناسب، از دست دادن خانواده - در مورد زنان- یا ایجاد بی‌اعتمادی بین آنها و در مواردی رد قربانی از جانب خانواده و اجتماع، بروز پاره‌ای بیماریها چون سوء تغذیه، مشکلات تنفسی، دندانپزشکی، سل، بیماریهای واگیرداری چون ایدز، جراحات ناشی از حملات و بدرفتاریهای جنسی، سقط جنین، صدمات نخاعی و کمر و...، ترس از تعقیب کیفری به خاطر ترک کشور یا فعالیت در روسپی‌گری در خارج از کشور، ترس از انتقام و مشکلات دیگری که وضعیت خاص جسمی، عاطفی، روانی، خانوادگی و اجتماعی را برای قربانی ایجاد می‌کند (Ventrella, 2007: 53; Colyer, ..., 2009: 509; Waisman, 2010: 386, 429). این

وضعیت وظایفی را بر عهده دولتها می‌گذارد تا بازگشت قربانیان به کشور متبوع آنها یا جایی که حق اقامت دائمی در آنجا را دارند، به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که حضور و استقرار مجدد او در جامعه مبدأ فراهم و از بزه‌دیدگی مجدد آنها جلوگیری کند (Simon, 2010: 645).

بنابراین دولتها وظیفه می‌یابند تا با فراهم کردن اطلاعات لازم برای قربانیان، (بند ۶ ماده ۱۶ کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا) با همکاری سازمانهای مردم‌نهاد (Vujan, 2009: 300, 301) به معرفی خدمات و اجرای برنامه‌هایی اقدام کنند که موجبات بازپروری و استقرار مناسب و مجدد قربانی در جامعه مبدأ -مثلاً از طریق جذب در سیستم آموزشی یا بازار کار- تأمین و از بزه‌دیدگی مجدد آنها جلوگیری شود (Lenzerin, 2009: 222) به همین جهت کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا در ماده ۱۶/۵ مقرر می‌کند: «... هر دولت باید بهترین تلاشش را برای استقرار مجدد قربانی در جامعه دولتی که به آن برمی‌گردد، به کار گیرد...».

حمایت از قربانیان در فرایند بازگشت به وطن و پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد آنها اختصاص به دولت مقصد ندارد و در حیطه وظایف دولت مبدأ نیز جای می‌گیرد (Gekht, 2008: 55; UNODC-Toolkit, 2008: 329, 337).

بند ۲ ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۳/۲ از پروتکل شماره چهار کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی و ماده ۱۲/۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی از حق بازگشت اشخاص به وطن خویش و منع محرومیت اشخاص از ورود به قلمرو دولت متبوع خود یا قلمرویی که حق اقامت در آن را دارند، حمایت می‌کنند؛ لذا بزه‌دیدگان حتی اگر موفق به دریافت اجازه اقامت در کشور مقصد شوند، باید به وطن خود یا کشوری که اجازه اقامت دائمی در آن را دارند، برگردند ولی این امر حسب اسناد فراملی از قواعدی تبعیت می‌کند که وظایفی را بر عهده هر یک از دولتهای مبدأ و مقصد می‌گذارد.

مطابق بند ۱ ماده ۸ پروتکل قاچاق انسان همچنین بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون اروپایی قاچاق انسان، دولتی که شخص تبعه اوست یا در موقع ورود به قلمرو دولت پذیرنده، حق اقامت دائمی در آنجا را داشته باید بازگشت آن شخص را تسهیل و با

آن موافقت کند و مقدمات بازگشت و ورود قربانی به قلمرو خود را تهیه کند و اگر قربانی فاقد مدارک هویت یا مسافرت یا سایر جوازهای قانونی لازم است، به درخواست دولت پذیرنده، موظف به صدور مدارک لازم برای بازگشت قربانی است (بند ۴ ماده ۱۶ کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا و بند ۴ ماده ۸ پروتکل پالمو)، اما بازگرداندن قربانی در این حالت با رعایت کرامت انسانی، حقوق و ایمنی وی (بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون اروپایی مزبور و بند ۱ ماده ۸ پروتکل پالمو) انجام می‌پذیرد و دولت مقصد باید از موقعیت دسترسی قربانی به حقوق قانونی‌اش اطمینان حاصل کند؛ لذا اخراج فوری قربانی از آن رو که ممکن است او را از شناسایی به عنوان یک قربانی و در نتیجه برخی حقوقش محروم کند و آزادی یا جانش را در معرض تهدید قرار دهد، قابل قبول به نظر نمی‌رسد (Rijken-Volder, 2009: 67)؛ بند ۲ ماده ۶ از پروتکل قاچاق انسان پالمو و بند f از ماده ۱۲ کنوانسیون اروپایی قاچاق انسان بر لزوم حمایت از بزه‌دیده برای ارائه نظرات، نگرانیها یا حقوق و منافعشان در مراحل مختلف فرایند دادرسی کیفری دلالت دارد؛ نیز این نظر را تأیید می‌کند.

بنابراین از موضوعاتی که باید مد نظر دولتها قرار گیرد اصلاح قوانین یا وضع قوانین جدیدی است که به ویژه زمانی که به قربانی در فرایند دادرسی کیفری یا مدنی نیاز است، مقامات صلاحیتدار قادر به اخراج فوری بزه‌دیدگان قاچاق انسان نباشند (UNODC-Toolkit, 2008: 327). تهیه‌کنندگان کنوانسیون اروپایی، رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر را در زمینه استرداد مجرمان مد نظر قرار داده و به مسئولیت دولتهایی نظر داده است که متعاقب استرداد شخص به دولت متقاضی، او را در معرض شکنجه یا رفتارهای غیر انسانی و ترذیلی قرار داده‌اند؛ و به همین جهت در ماده ۱۶/۱، بازگرداندن قربانی به جامعه خود را به ملاحظه کرامت انسانی شخص و ایمنی او مقید کرده‌اند (Waisman, 2010: 404; Council of Europe-Explanatory, 2005: 55). علاوه بر آنچه از وظایف دولتها نگاشتیم، باید خاطر نشان کرد که به تصریح پروتکل در ماده ۸/۲ و کنوانسیون اروپایی قاچاق انسان در ماده ۱۶/۲، برگرداندن قربانی ترجیحاً ارادی و به اختیار قربانی است. بنابراین اگرچه اسناد فراملی اشاره‌شده، دولتها را به بازگرداندن اختیاری قربانیان در همه موارد ملزم و متعهد نکرده است

(Simon, 2010: 645) اما باز گرداندن غیر ارادی به مواردی محدود می‌شود که فرایند حقوقی مربوط نهایی شده و بازگشت قربانی با تأمین امنیت او همراه است (Annotated Guide, 2002: 27).

در پایان این مبحث باید خاطر نشان ساخت که در برخی موارد دولتهای مقصد با افرادی مواجه می‌شوند که هیچ دولتی آنها را به عنوان شهروند خویش نمی‌پذیرند و قربانی به عنوان فردی بدون تابعیت قلمداد می‌شود؛ اسناد فراملی اشاره شده به این مورد اشاره‌ای نکرده‌اند ولی به نظر می‌رسد از آن رو که این افراد تقصیری را مرتکب نشده‌اند، مسئولیتی نخواهند داشت و کشورهای مقصد می‌توانند با این اشخاص همانند پناهندگان رفتار و امکانات حقوقی لازم برای ماندن آنها را فراهم کنند (Ibid).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

جرم قاچاق انسان نقض حقوق بشر توصیف می‌شود که در فرایند انجام آن همچون بردگی، بسیاری از حقوق بنیادین انسان پایمال می‌شود. ابعاد حقوق بشری قاچاق انسان موجب شده است تا مهمترین اسناد فراملی مربوط مانند پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان پیوست کنوانسیون جرایم سازمان یافته فراملی سازمان ملل متحد مصوب ۲۰۰۰ میلادی (پروتکل پالمو) و کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا مصوب ۲۰۰۵ میلادی (کنوانسیون ورشو)، وظایف و محدودیتهایی را بر دولتها تحمیل و مبارزه مؤثر دولتها را در پرتو اهتمام آنها به سه راهبرد پیشگیری؛ جرم‌انگاری و حمایت از بزهدیده معرفی کنند. امروزه محور اقدامات علیه قاچاق انسان، حقوق بشر قربانی جرم است و نباید این حقوق دو بار و در نوبت اول توسط قاچاقچیان و بار دیگر توسط دولتها نقض شود. قصور دولتها در اتخاذ اقدامات مناسب و حمایت از قربانیان جرم می‌تواند مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف را در قبال نهادهای بین‌المللی مطرح کند. حمایت از قربانیان جرم در تشویق بزهدیده جهت همکاری با مأموران و مقامات اجرای عدالت نیز مؤثر است و گامی مناسب جهت پیشگیری از قاچاق دوباره بزهدیده است و از این رو نقشی پیشگیرانه ایفا می‌کند.

اسناد فراملی چون پروتکل پالمو و به ویژه کنوانسیون ورشو، بر تعهد و اهتمام دولتها بر حمایت از قربانیان جرم تصریح کرده و گونه‌های مختلفی از تدابیر و پاسخهای حمایت گرایانه که بهبودی جسمی، روانی و اجتماعی قربانی را مد نظر دارد و جای گیری موفق او را در جامعه مبدأ تأمین می کند، پیش بینی کرده اند که از جمله شامل شناسایی قربانی و دادن حق اقامت موقت و اعطای جان پناه و مسکن مناسب، دسترسی به درمانهای پزشکی ضروری، تسهیل مشارکت قربانی در دادرسی، تأمین امنیت و سلامت قربانی، جبران خسارات او، کمک به بازگشت بزه دیده به وطن و جامعه مبدأ است. این مقاله به لحاظ گستردگی موضوع حمایت از قربانی فقط به تبیین سه مورد اخیر از اقدامات و تدابیر حمایتی مزبور و در پرتو اسناد فراملی و به ویژه کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا که از جایگاهی شایسته تر نسبت به پروتکل پالمو برخوردار است، پرداخته است. بر این اساس:

۱- برای تأمین امنیت قربانی جرم، محرمانگی هویت، زندگی خصوصی و داده‌های شخصی بزه دیده، ضروری است و باید از افشای آنها پرهیز شود؛ برای این منظور غیر علنی بودن دادرسیها و ممانعت از حضور افراد و نمایندگان رسانه‌ها در جلسات دادرسی و محدودیت انتشار اطلاعاتی که می تواند به افشای هویت بزه دیدگان منجر شود مورد توجه قرار می گیرد؛ بدون آنکه حقوق و اصول شناخته شده‌ای مثل حق دفاع متهم، حق آزادی بیان یا حق دسترسی به اطلاعات شهروندان نقض شود.

همچنین تأمین سلامت جسمانی بزه دیدگان در مقابل انواع تهدید و ارباب و اقدامات تلافی جوینانه و انتقام، لازم است و برای تحقق این موضوع تدابیر متنوعی که برخی از آنها ماهیت فراقضایی دارد، باید مورد توجه دولتها قرار گیرد.

۲- دولتها باید از جبران خسارات قربانی اطمینان یابند و برای این منظور سازوکار مناسب قضایی و اداری را پیش بینی کنند؛ جبران خسارات قربانی ممکن است از طریق دادرسی مدنی، کار، فرایند اداری و پیش بینی صندوق خاص و یا از طریق مذاکره و توافق به عمل آید. خواسته جبران خسارت می تواند علیه مرتکبان یا در

مواردی علیه دولت مقصد اقامه شود و باید فارغ از همکاری یا عدم همکاری بزه‌دیده با مقامات و مأموران صلاحیتدار نسبت به جبران خسارات قربانی اقدام شود. ادعای جبران خسارات شامل مواردی چون: صدمات ناشی از خشونت جسمی و روانی، مخارج پزشکی، دستمزدهای پرداخت‌نشده یا بسیار کمتر پرداخت‌شده، کسورات نامشروع، مفروط و فریبکارانه از دستمزدها به خاطر اجاره، امرار معاش و... است. مساعدت حقوقی رایگان از طریق مشاور حقوقی و وکیل در فرایند دادرسی و خصوصاً در مواردی که قربانی از توان مالی برخوردار نیست و حضور وکیل برای دسترسی مؤثر بزه‌دیده به دادگاه ضروری است، ممکن است در حقوق ملی کشورها پیش‌بینی شود.

۳- بازگشت بزه‌دیده به وطن خود یا جایی که حق اقامت دائمی در آن را داشته است باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که استقرار مجدد قربانی را در جامعه مبدأ مثلاً از طریق جذب در بازار کار فراهم و از بزه‌دیدگی مجدد قربانی جلوگیری کند. دولت متبوع شخص باید بازگشت قربانی را تسهیل کند. بازگشت بزه‌دیده با رعایت کرامت انسانی و امنیت او و ترجیحاً اختیاری انجام می‌گیرد و به ویژه زمانی که به قربانی در فرایند دادرسی نیاز است نباید از کشور مقصد اخراج شود.

با آنکه برخی از کشورها مثل ایتالیا و آمریکا، با تأثیرپذیری از اسناد فراملی به ویژه پروتکل پالمو، علاوه بر جرم‌انگاری قاچاق انسان، با وضع قانون خاص به پاره‌ای حمایتها از قربانیان این جرم اقدام کرده‌اند؛ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ با جرم‌انگاری قاچاق انسان و پیش‌بینی مجازات برای مرتکبان قاچاق انسان، صریحاً اهتمامی به اجرای راهبرد حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق انسان نداشته و از آن غفلت کرده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به اینکه دستگیری از اشخاص آسیب‌پذیر با ارزشهای اسلامی و انسانی منطبق است، پیشنهادات زیر می‌تواند مورد توجه مسئولان سیاست جنایی جامعه ایران قرار گیرد:

۱- قوه قانون‌گذاری ایران با بررسی عمیق و همه‌جانبه کنوانسیون جرایم سازمان‌یافته فراملی و پروتکل‌های پیوست آن از جمله پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان، به دولت جمهوری اسلامی ایران

اجازه دهد به اسناد مزبور ملحق شود تا به ویژه زمینه اهتمام بیشتر به حمایت از قربانیان قاچاق انسان، فراهم شود.

۲- ضمن اصلاح قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب سال ۱۳۸۳، بستر قانونی حمایت از بزهدیدگان قاچاق انسان از طریق تأمین امنیت و سلامت آنها؛ جبران خسارات وارده به آنها از سوی مرتکبان جرم و کمک به بازگشت موفق بزهدیدگان قاچاق انسان به جامعه مبدأ و در مورد قربانیان ایرانی، جامعه ایران، فراهم شود.

۳- برای حمایت افتراقی از بزهدیدگان و تضمین جبران خسارات واردشده به آنها و ارائه کمکهای فوری به قربانیان، صندوق اختصاصی به اتکای اموال صادره شده قاچاقچیان و حمایتهای مردم و سازمانهای خیریه، ایجاد تا از آن برای مقاصد مزبور استفاده شود.

۴- راهبرد حمایت از بزهدیدگان قاچاق انسان در پرتو اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی با توفیق بیشتری همراه است؛ بنابراین ضروری است سیاستهای تشویقی برای ایجاد گروههای مردم‌نهاد، جهت مساعدت و کمک به بزهدیدگان قاچاق انسان مورد توجه سیاست جنایی ایران قرار گیرد. همچنین بستر مناسب برای دخالت نهادهای مدنی مثل کانون و کلا برای مشاوره حقوقی رایگان با بزهدیدگان در مورد جبران خسارات وارده از طریق فرایند دادرسی فراهم شود.

کتاب شناسی

۱. ذاقلی، عباس، قاجاق انسان، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹ ش.
۲. کولایی، الهه، «عوامل و انگیزه‌های قاچاق انسان (با تأکید بر آسیای مرکزی)»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، ۱۳۸۶ ش.
۳. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، دیباچه بر کتاب قاجاق انسان، عباس ذاقلی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹ ش.
4. Braspenning, Cindy, «Human Trafficking In The Netherlands: The Protection Of And Assistance To Victims In Light Of Domestic And International Law And Policy», Intercultural Human Rights Law Review, 2006, Vol. 1, 329-379.
5. Chuang, Janie A. , «Achieving Accountability for Migrant Domestic Worker Abuse», North Carolina Law Review, 2010, Vol. 88, 1656-1627.
6. Colyer, Jennifer L. - Russell, Sarah French - Juceam, Robert E. - Liman, Lewis J., «The Representational And Counseling Needs Of The Immigrant Poor», Fordham Law Review, 2009, Vol. 78, 461-514.
7. Cooney, Jeremy A., The Availability Of Preventative.
8. Council Of Europe-Explanatory Report On The Council Of Europe Convention On Action Against Trafficking In Human Beings, Warsaw, 2005.
9. Council Of The European Union, Proposal For A Directive... On Preventing And Combating Trafficking In Human Beings..., 2010.
10. Drew, Sandhya, Human Trafficking - Human Rights, London, Legal Action Group, 2009.
11. Europol, Trafficking In Human Beings In The European Union, Available At : <www.Europol.Europa.Eu/Publications/Serious_Crime> .
12. Follmar - Otto, Petra - Rabe, Heike, «Human Trafficking In Germany: Strengthening Victim's Human Rights», Berlin, Deutsches Institut Für Menschenrechte, 2009.
13. Fredette, Kalen, «International Legislative Efforts To Combat Child Sex Tourism», Boston College International & Comparative Law Review, 2009.
14. Fredette, Kalen, «Revisiting The Un Protocol On Human Trafficking», Cardozo Journal International And Comparative Law, 2009, Vol. 17:101, 101-134.
15. Gallagher, Anne, «Recent Legal Developments In The Field Of Human Trafficking: A Critical Review Of The 2005 European Convention And Related Instruments», European Journal Of Migration And Law, 2006, 8, 163-189.
16. Gekht, Anna, «Shared But Differentiated Responsibility: Integration Of International Obligations In Fight Against Trafficking In Human Beings», Denver Journal Of International Law And Policy, 2009, Vol. 37:1, 28-62.

17. Hodge, David R., «Sexual Trafficking In The United States: A Domestic Problem With Transnational Dimensions», *Social Work*, 2008, 53, 143-151.
18. Jones, Angela A., «Post-Traumatic Stress Disorder And Victims Of Human Sex Trafficking», *Intercultural Human Rights Law Review*, 2009, Vol. 4, 317-354.
19. Leidholdt, Dorchen, «A Strategies For Combating Human Trafficking Within The United States, Canada And Mexico», *Intercultural Human Rights Law Review*, 2006, Vol. 1, 91-97.
20. Lenzerini Federico, «International Legal Instruments On Human Trafficking And A Victim-Oriented Approach», *Intercultural Human Rights Law Review*, 2009, Vol. 4, 206-238.
21. Matter, Mohammed, *Combating Trafficking In Persons In Accordance With The Principles Of Islamic Law*, New York, Office On Drugs And Crime, United Nations, 2010.
22. Olujuwon, Tola, «Combating Trafficking In Person», *Europen Journal Of Scientific Research*, 2008, Vol. 24:1, 23-32.
23. Piotrowicz, Ryszard, «The Legal Nature Of Trafficking», *Intercultural Human Rights Law Review*, 2009, Vol. 4, 175-203.
24. Raffaelli, Rosa, «The European Approach To The Protection Of Trafficking Victims», *German Law Journal*, 2009, Vol. 1, No. 03, 205-222.
25. Ryken, Conny - Volder Eefje De, «The European Union's Struggle To Realize A Human Rights-Based Approach To Tafficking In Human Beings», *Connecticut Journal Of International Law*, 2009, Vol. 25:49, 49-79.
26. Simon, Hannah, «Human Trafficking From An International Protection Perspective», *Penn State International Law Review*, 2010, Vol. 28:4, 633-673.
27. Skrivankova, Klara, «Combating Trafficking In Human Beings», *International Review Of Law Computers And Technology*, 2006, 182-232.
28. Troshynski, Emily I. And Blank, Jennifer K., «Sex Trafficking: An Exploratory Study Interviewing Traffickers», *Trends Organ Crime*, 11, 2008, 30-41.
29. United Nations, Economic And Social Council, *Recommended Principles On Human Rights And Human Trafficking*, New York, United Nations, 2002.
30. UNODC-Legislative Guides For The Implementation Of The United Nations Convention Against Transnational Organized Crime And The Protocols Thereto, New York, United Nations Publication, 2004.
31. UNODC-Toolkit To Combat Trafficking In Persons, New York, United Nations Publication, 2008.
32. Unodc-Trafficking In Persons; Analysis On Europe, Vienna, United Nations Office

- On Drugs And Crime, 2009.
33. Ventrella, Matilde, «Protecting Victims Of Trafficking In Human Beings In The Uk: The Italian 'Riminimethod' That Could Influence The British Approach», Migration And Refugee Issues, 2007, Vol. 3, No. 2, 40-63.
 34. Vujin, Jasna, «Human Trafficking In The Balkans», Intercultural Human Rights Lawreview, 2009, Vol. 4, 267-315.
 35. Waisman, Vivian, «Human Trafficking: State Obligations To Protect Victims' Rights, The Current Framework And A New Due Diligence Standard», Hastings International Comparative Law Review, 2010, Vol. 33:2, 385-429.
 36. Wang, Shirley Kohsin, «Violence & Hiv/Aids: Violence Against Women And Girls As A Cause And Consequence Of Hiv/Aids», Duke Journal Of Gender Law & Policy, 2010, Vol. 17, 313-339, Vol. 32, 1-45.
 37. Yacoubian-George S., J. Clawson, Heather J., Dutch, Nicole, «An Examination Of Law Enforcement Responses To Human Trafficking In The United States», University Of California, Davis, 2008, Vol. 15:1, 157-187.

